

اتحادیه‌ی اروپا و فاشیسم خزننده

احمد سیف

• وضع در آلمان به حدی خراب شده است که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل قرار است آلمان را به خاطر حمله‌های نژادپرستانه به خارجی‌ها که از سوی راست‌گرایان صورت می‌گیرد، محاکمه کند.

بررسی این مقوله نیست. می‌خواهم از جلسه‌ای که در ۲۳ نوامبر ۱۹۹۵ بین وزیران کشور کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا برگزار شد، گزارش مختصری به دست بدهم و به خصوص به تصمیماتی که در خصوص پناهجویان اتخاذ شد، اشاره کنم.

قبل از هر چیز بگویم که در راستای تعیین نقش دادگاه عالی اروپا در عهدنامه‌ی مربوط به تشکیل یورپول (پلیس مشترک برای اروپا) و هم‌چنین «اقدام مشترک بر علیه نژادپرستی» توافقی حاصل نشد. این دو از مواردی است که باید مورد توافق همه‌ی اعضا قرار بگیرد و حتی یک عضو می‌تواند فرایند کار را متوقف کند. در این موارد، وزیر کشور انگلستان، مایکل هوارد، از سوی دیگر وزیران شرکت‌کننده مورد انتقاد قرار گرفت. در خصوص «اقدام مشترک...» او گفت، «هنوز مسایل زیادی باید روشن شود» ولی توضیح بیشتری نداد. به نوبه‌ی خود، شکوه کرد که دوست ندارد درباره‌ی ضرورت مبارزه با نژادپرستی، دیگران برای او «سخن‌رانی» کنند. دلیل اصلی هوارد این بود که «نمی‌خواهد توافق‌نامه‌هایی را که ممکن است برای مناسبات نژادی در انگلیس مفید نباشد، امضا کند». وزرای کشور آلمان و هلند به وضوح اعلام کردند که دلیل مخالفت هوارد را در نمی‌یابند. رییس جلسه، وزیر کشور اسپانیا، امیدوار بود که با مقررات محدودکننده‌تری که در خصوص مهاجرت و پناهجویی پذیرفته شد، بتواند توافق لازم را درباره‌ی «اقدام مشترک...» به دست آورد. ولی چنین نشد. نکات اصلی «اقدام مشترک...» به قرار زیر است:

- نژادپرست؛
- ممنوع کردن چاپ، توزیع و بازاریابی نوشته‌های نژادپرستانه؛
- نقش فعال دادن به گروه‌های مخالف نژادپرستی در شکایت‌هایی که بر علیه نژادپرستی می‌شود؛
- همکاری در مصادره‌ی انتشارات نژادپرستان؛

فرانسه دیده‌ایم. حکومتی که با وعده‌ی کاهش بیکاری بر سر کار آمده است، در حالی که برای آزمایشات پرهزینه‌ی هسته‌ای توان دارد، می‌خواهد بودجه‌ی رفاه اجتماعی را کاهش بدهد. شبیه به همین وضعیت در دیگر کشورهای اروپایی وجود دارد. واقعیت اما این است که بحران عمیق اقتصادی به بحرانی اجتماعی فرا رويیده است.

کمر شهر و دیار نیست که شمار روزافزونی «خیابان‌نشین» نداشته باشد و حکومتی هم نیست که بداند با این فاجعه‌ی اجتماعی چه باید کرد؟ استیصالی که در پیوند با این بحران رو به رشد پدیدار شده است، زمینه‌ی مادی رویکرد شماری از قربانیان بحران سرمایه‌سالاری به ناکجا آبادیست که جریان‌های فاشیستی و نئوفاشیستی به این قربانیان عرضه می‌کنند. وضع در آلمان به حدی خراب شده است که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل قرار است آلمان را به خاطر حمله‌های نژادپرستانه به خارجی‌ها که از سوی راست‌گرایان صورت می‌گیرد، محاکمه کند. سازمانی که بر علیه نژادپرستی و فاشیسم مبارزه می‌کند (CARF) از ۵۲ مورد قتل نژادی در ۱۹۹۳ در آلمان سخن می‌گوید که نسبت به سال ۱۹۹۲ صد درصد افزایش نشان می‌دهد. اگرچه این سازمان، این موارد را با ذکر مشخصات مستند کرده است ولی آمار رسمی دولتی از ۱۷ قتل در ۱۹۹۲ و تنها ۸ قتل در ۱۹۹۳ سخن می‌گوید.^۴

از سوی دیگر، در ۱۹۹۳، در سطح اتحادیه‌ی اروپا، ۸ پناهجو در حالی که در بازداشت پلیس بودند به قتل رسیدند و این رقم در ۱۹۹۴ به ۲۱ نفر رسید. شمار پناهجویانی که تحت فشارهای نژادپرستانه خود را گشتند در ۱۹۹۴، ۷ تن بود که نسبت به سال قبل، یعنی ۱۹۹۳، تغییری نشان نمی‌دهد.^۵ به اعتقاد من، نژادپرستی بسی بیشتر از آن‌چه در حاشیه‌ی سیاست در اروپا باشد، رفته‌رفته به صورت بخش مهمی از سیاست در اتحادیه‌ی اروپا درآمده است. با این همه اما، قصدم در این نوشته‌ی کوتاه

اگر چه تنها ۵ درصد از کسانی که به دلایل گوناگون در جهان در به در می‌شوند، سر از اتحادیه‌ی اروپا در می‌آورند ولی در سال‌های اخیر، به ویژه، قوانین و مقررات فراوانی وضع شده تا به قول سیاستمداران اروپایی جلوی این «موج سیل‌واره‌ی مهاجرین» را بگیرد.^۱ هفته و ماهی نیست که در این خصوص دروغی تازه نگویند و بعد تازه‌ی ترس از نژادپرستی را به نمایش نگذارند. کمیسیون اروپا در گزارشی مدعی شده است که «سوء استفاده از حق پناهجویی» دلیل اصلی رشد جریان‌های فاشیستی در اروپاست.^۲ وزیر کشور آلمان می‌گوید «خشونت موجود قابل فهم است» و آن‌چه به عقل حقیرش می‌رسد این‌که، برای جلوگیری از این خشونت رو به رشد «هجوم کنترل نشده‌ی خارجی‌ها» باید متوقف شود.^۳ در ظاهر برای همگون کردن سیاست‌ها می‌کوشند ولی در واقع، می‌خواهند و می‌کوشند از این درصد ناچیز، بخشی را کنار بگذارند. برای همین منظور شماری از کشورها را در «لیست سفید» قرار می‌دهند و این لیست شامل کشورهای است که از دیدگاه سیاستمداران اروپایی «امن» است و در نتیجه تقاضا برای پناهجویی از سوی شهروندان این کشورها حتی بررسی هم نمی‌شود. برای نمونه، دولت انگلستان، نیجریه را در این لیست قرار داده است، در حالی که دیکتاتورهای حاکم بر نیجریه بدون توجه به افکار بین‌المللی به کشتار مخالفان سیاسی خود ادامه می‌دهند. بر خلاف تمام موازین بین‌المللی تعریف «پناهجو» را تحریم می‌کنند تا از این تعداد ناچیز، مقدار باز هم ناچیزتری را بپذیرند. به گوشه‌ای از آن باز خواهیم گشت.

با همه‌ی تبلیغاتی که می‌کنند علت اصلی و اساسی رشد فاشیسم در اروپا، به اعتقاد من بحران سخت جان و عمیق سرمایه‌سالاری حاکم بر این جوامع است که از سویی برای بیکاری گسترده راه حلی ندارد و از سوی دیگر نمی‌تواند و بیشتر از آن نمی‌خواهد «جامعه‌ی رفاه» را مانند گذشته تأمین مالی کند. نمونه‌ای از آن را در هفته‌های اخیر در

- کنترل توزیع اطلاعات و نشریات نژادپرستانه در سطح بین‌المللی؛
- مبادله‌ی اطلاعات برای کمک به تصمیم‌گیری حقوقی در مواردی که نژادپرستان به دادگاه جلب می‌شوند.

در ظاهر امر، برنامه‌ی جذابی به نظر می‌آید. نکته‌ی جالب اما، این‌که از سویی در اتحادیه‌ی اروپا، برای راضی نگاه‌داشتن جریان‌های فاشیستی و نژادپرستانه قوانین تازه و تازه‌تری وضع می‌کند و می‌کوشد اتحادیه‌ی اروپا را به صورت قلعه‌ای محصور برای اروپایی‌ها درآورد و از سوی دیگر، از «اقدام مشترک...» سخن می‌گوید. این دو، بدون تردید جمع‌شدنی نیستند. آلمان، برای نمونه، قانون اساسی خود را در همین راستا تغییر داد. در انگلیس نیز، قوانین تازه‌ای از ژانویه ۱۹۹۶ به جریان خواهد افتاد.

در ایتالیا و اطریش نیز شاهد تحولات مشابهی هستیم. وزارت کشور فرانسه در اگوست ۱۹۹۵، به ده اقدام تازه دست زد که از جمله شامل کوشش برای اخراج حداقل ۲۰۰۰۰ تن از «مهاجران غیرقانونی» در سال است. پس از بیم‌گذاری ایستگاه قطار زیرزمینی در ژوویه، ۵۰۰ هزار تن از رنگین‌پوستان شمال آفریقا، در معابر عمومی مورد بازرسی پلیس قرار گرفتند که در پی آمدن، ۳۰۰۰ تن قرار است از فرانسه اخراج شوند.^۶ اتحادیه‌ی اروپا بودجه‌ای در اختیار دولت اسپانیا قرار داده است تا در ۸/۵ کیلومتر مرز مشترکی که با مراکش دارد، «دیوار الکترونیکی» بناکند. قرار است حداقل ۳۰ سیستم تلویزیونی مدار بسته، چشم‌های الکترونیکی و «آخرین ابزارهای تکنیکی» به کار گرفته شود و این پروژه به صورت «پروژه‌های نظامی» طبقه‌بندی شده است.^۷

پاری، وزیر کشور اسپانیا گفت در بحث‌هایی که بر سر تعریف «پناهجو» داشتیم، تنها نماینده‌ی یک کشور، انگلستان، مخالف‌خوانی می‌کرد. برای این‌که سوء تفاهمی پیش نیاید بگویم که وزیر کشور انگلیس می‌خواست که تصمیم‌نهایی به صورت یک «توصیه» ثبت شود، نه یک «موضع‌گیری مشترک» که لازم‌الاجرا خواهد بود. اگرچه در نهایت او مجبور شد که موضع‌گیری مشترک را بپذیرد ولی روز قبل از جلسه، «کمیته‌ی نمایندگان دائمی دولت‌های عضو» با پذیرش یک تبصره پذیرفت که «موضع‌گیری مشترک نباید برای مسئولان حقوقی کشورهای عضو لازم‌الاجرا باشد و یا بر تصمیم‌گیری‌های حقوقی آن‌ها تأثیر بگذارد».^۸ به سخن دیگر، دست دولت‌های عضو را باز گذاشتند که هر آن‌چه را که دوست نمی‌دارند، اجرا نکنند و کسی هم نتواند دولت‌های خاطی را به دادگاه عالی اروپا بکشاند.

مورد دیگر اختلاف به مقررات حاکم بر فرودگاه‌ها در خصوص مسافران ترانزیت مربوط می‌شد. نظر عمومی این بود که شهروندان شماری از

کشورها برای این‌که بتوانند برای تعویض هوایم وارد یکی از فرودگاه‌های اتحادیه‌ی اروپا بشوند، می‌بایست روادید ترانزیت بگیرند. لازم به یادآوری است که با این وصف، این افراد، مستقل از مدت اقامت برای تعویض، نمی‌توانند از گمرک فرودگاه خارج بشوند.

زمینه‌ی این تصمیم‌گیری آن است که جلوی مسافرانی که بدون روادید وارد اتحادیه‌ی اروپا می‌شوند و سپس تقاضای پناهندگی می‌کنند، گرفته شود. کشورهایی که در لیست قرار دارند عبارتند از: افغانستان، اریتره، ایران، غنا، عراق، حبشه، نیجریه، سومالی، سیلان، زئیر، پاکستان و بنگلادش. آلمان به بودن زئیر در این لیست اعتراض کرد، ولی اعتراضش را پس گرفت. انگلیس نیز به بودن پاکستان و بنگلادش در این لیست اعتراض مشابهی داشت که تا به آخر ادامه یافت.

در نتیجه «عمل مشترک» به‌وسیله‌ی نمایندگان ۱۳ عضو دیگر، بدون آلمان و انگلیس مورد توافق قرار گرفت. وزرای کشور این ۱۳ عضو بلافاصله اطلاعیه‌ی مشترکی صادر کرده اعلام داشتند که لیست آن‌ها شامل پاکستان و بنگلادش هم خواهد بود. انگلستان و ایرلند این اطلاعیه را امضا نکردند. لیست انگلیس که در ۱۲۳ اکتبر ۱۹۹۵ مورد تجدید نظر قرار گرفت، شامل اریتره، حبشه و غنا نیست ولی چین، ترکیه و اوگاندا را شامل می‌شود. قانون سال ۱۹۸۷ مبنی بر جریمه‌ی مؤسسات حمل و نقل که مسافر بی‌روادید را به انگلیس بیاورند، در مورد مسافران ترانزیت هم صادق است.

به‌طور کلی، اگرچه «عمل مشترک» به تصویب رسید ولی جزئیات اجرا قرار است در نشست دیگری تعیین شود.

درباره‌ی تعیین نقش دادگاه عالی اروپا در پیوند با یورویل، رییس جلسه به شدت از انگلیس انتقاد کرد و گفت، «نمی‌توانیم به این وضع ادامه بدهیم، بر اساس مقررات، تا ژوئن ۱۹۹۶ باید تکلیف روشن شود، وقتی خبرنگاری از او پرسید که آیا انگلیس موافقت کرده است که بقیه‌ی اعضا کار خودشان را بکنند؟ وزیر کشور اسپانیا در پاسخ گفت: «خیر، حتا با این هم موافق نیستند» و به مصاحبه‌ی مطبوعاتی خاتمه داد. وزیر کشور انگلیس به این جلسه پیشنهاد کرد که «یک مرکز عالی اروپایی» درباره‌ی تروریسم ایجاد شود. قرار شد این پیشنهاد مورد بررسی قرار بگیرد. وقتی از او پرسیدند که انگلیس در ایجاد این مرکز چه کمکی می‌تواند بکند؟ پاسخ داد، دانش ما درباره‌ی «سلاح» و «از کار انداختن مواد منفجره» بسیار گسترده است.

عمده‌ترین موضوعی که در این جلسه به تصویب رسید، تعریف جدید و محدود‌کننده‌تری از پناهجو بود که بخش قابل توجهی از متقاضیان

بالقوه را عملاً حذف می‌کند. این تعریف تازه، مورد حمایت کامل انگلیس قرار گرفت.

کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو که کلیه‌ی اعضای اتحادیه‌ی اروپا از امضاکنندگان آن هستند، پناهجو را به این صورت تعریف می‌کند:

«زن یا مردی که از خارج از کشور خویش به دلایل معقول نمی‌تواند و یا نمی‌خواهد از ترس تعقیب و آزار و اذیت به کشور خویش بازگردد. زمینه‌ی این واژه می‌تواند نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در یک گروه اجتماعی و یا سیاسی باشد».^۹ علاوه بر آن، کتاب راهنمای کمیسیون عالی سازمان ملل متحد برای پناهجویان هم سال‌هاست که به عنوان شاخص در پیوند با اجزای این تعریف مورد استفاده قرار می‌گیرد.

با این همه اتحادیه‌ی اروپا، در پوشش کوشش برای همگون‌سازی تعریف، در ۱۹۹۴ یک تعریف مقدماتی از پناهجو را منتشر نمود. گفتن دارد که اگرچه دلیل معقولی برای این کوشش از سوی اتحادیه‌ی اروپا وجود ندارد ولی از ۱۹۹۴، این واژه‌ی جدی وجود داشت که هدف اصلی در واقع این است که با این ترفند، دامنه و گسترده‌ی پناهجویی را محدود کنند. وقتی این تعریف تازه در ۲۳ نوامبر ۱۹۹۵ به تصویب وزیران اتحادیه‌ی اروپا رسید، آن واژه تحقق یافت. در این تعریف تازه، حق فرد در فرایند ارزیابی تقاضایش برای پناهجویی به مقدار قابل توجهی کمتر شده است. سخن از «لیست کشورهای امن» («لیست سفید») است، یعنی کشورهایی که از آن‌ها کسی نمی‌تواند «پناهجو» باشد و تنها در صورتی تقاضای پناهجویی از سوی شهروندان این کشورها را بررسی می‌کنند که متقاضی بتواند اثبات کند که وضعیت ویژه‌ای دارد. تا پیش از تصویب این تعریف جدید، پناهجو و مأمور بررسی تقاضا نامه برای روشن نمودن حقایق و فاکت‌ها مسئولیت مشترک داشتند.

در تعریف جدید تنها پناهجو است که کلیه‌ی مسئولیت‌ها را به دوش می‌کشد. بی‌آمدن تغییر به ظاهر ناچیز این است که مأمور بررسی از این پیش‌گزاره آغاز می‌کند که به متقاضی نباید پناه داد، مگر این‌که او بتواند نادرستی این پیش‌گزاره را اثبات کند. چنین کاری اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار است. پناهجو باید بتواند اثبات کند که جانش در خطر است، تا تقاضای او برای پناهجویی بررسی شود. اگرچه به نظر معقول می‌آید، ولی کسانی که به صورت‌های مختلف تحت آزار و فشارند، مثلاً مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند، شکنجه می‌شوند، من بعد نمی‌توانند به عنوان پناهجو بررسی شوند.

دلیل این امر هم آن است که، برای مثال، زندگی کسی در نتیجه‌ی تجاوز جنسی به خطر نمی‌افتد. از سوی دیگر، بر مبنای قرارداد دوبلین، متقاضی پناهجویی باید از اولین کشوری که به آن

ه نکته‌ی جالب اما، این که
از سوی در اتحادیه‌ی
اروپا، برای راضی
نگاه داشتن جریان‌ها
فاشیستی و نژادپرستانه
قوانین تازه و تازه‌تری
وضع می‌کنند و می‌کشند
اتحادیه‌ی اروپا را به
صورت قلعه‌ای محصور
برای اروپایی‌ها
در آورند.



گرفته بودند.^{۱۲} وقتی جمع‌آوری اطلاعات «قانونی» شود، ضمانتی وجود ندارد که این اطلاعات بیشتر و سامان‌یافته‌تر و تازه‌تر نیز در اختیار حکومت‌ها قرار نگیرد. از آن گذشته، در خود این جوامع نیز امکان جدی و ملموس سوء استفاده از این اطلاعات وجود دارد. این نکته از آن جهت اهمیت دارد که یوروپل مانند چند نهاد دیگر در اتحادیه‌ی اروپا نهادی است که در بیرون از کنترل و نظارت پارلمان عمل خواهد کرد. به همین دلیل امکان سوء استفاده از این اطلاعات بسیار جدی است. □

- ۱- نگاه کنید به Statewatch، جلد دوم، شماره ۵، سپتامبر - اکتبر ۹۲، ص ۵.
- ۲- همان.
- ۳- Statewatch، جلد دوم، شماره ۶، نوامبر - دسامبر ۱۹۹۲، ص ۱۱.
- ۴- Statewatch، جلد چهارم، شماره ۱، ژانویه - فوریه ۱۹۹۴، ص ۶-۷.
- ۵- Statewatch، جلد پنجم، شماره ۱، ژانویه، فوریه ۱۹۹۵، ص ۱.
- ۶- Statewatch، جلد پنجم، شماره ۵، سپتامبر - اکتبر ۱۹۹۵، ص ۲.
- ۷- Statewatch، جلد پنجم، شماره ۶، نوامبر - دسامبر ۱۹۹۵، ص ۱.
- ۸- Statewatch، جلد پنجم، شماره ۶، نوامبر - دسامبر ۱۹۹۵، ص ۱۵.
- ۹- همان، ص ۱۵.
- ۱۰- همه‌ی اطلاعات آمده درباره‌ی جلسه‌ی ۲۳ نوامبر ۱۹۹۵ را از همان مأخذ، ص ۱۶-۱۵ گرفته‌ام.
- ۱۱- Statewatch، جلد پنجم، شماره ۶، نوامبر - دسامبر ۱۹۹۵، ص ۵.
- ۱۲- برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به، Statewatch، جلد اول، شماره ۲، مه - ژوئن ۱۹۹۱، ص ۵.

پناهجوی سیاسی مورد حمایت قرار بگیرد. در تعریف جدید اما، آزار و اذیت باید با تشویق و یا به‌وسیله‌ی دولت انجام شود تا بتوان قربانی را به عنوان متقاضی پناهجویی در نظر گرفت. در نتیجه، کسانی که از دست گروه‌های مسلح غیردولتی می‌گریزند، در تعریف جدید نمی‌توانند پناهجو باشند. با این دست‌کاری ظریف، شمار قابل توجهی از متقاضیان پناهجویی از سیلان، الجزیره و سومالی خودبه‌خود حذف می‌شوند. واقعیت این است که در این کشورها، خشونت‌های اعمال می‌شود، عمدتاً به وسیله‌ی گروه‌های غیردولتی است و از سوی دولت تشویق نمی‌شود.

این دست‌کاری بسیار بحث برانگیز بود و نمایندگان سوئد و دانمارک اعلام کردند که آن را اعمال نخواهند کرد. گزارشی درباره‌ی Eurodoe، که در اکتبر ۱۹۹۵ تهیه شده بود، نیز به بحث گذاشته شد. آن مشخصاً به چنین کاری جنبه‌ی قانونی می‌بخشد.^{۱۱} با آن چه که در «اتحادیه‌ی اروپا» می‌گذرد، بی‌گفتگو روشن است که از این نمذ کلاه‌گشادی بر سر خارجیانی خواهد رفت که در اتحادیه‌ی زندگی می‌کنند. شواهد انکارناپذیری وجود دارد که حداقل بخشی از اطلاعات جمع‌آوری شده از متقاضیان پناهجویی در اتحادیه‌ی اروپا، در اختیار مقامات امنیتی کشورهایی که از آن گریخته‌اند، قرار گرفته است. برای نمونه، شرکت پژوهش‌گر Janssen & Janssen در کتابی که در ۱۹۹۱ در هلند منتشر ساخت، شواهد زیادی آورده است از کوشش پلیس مخفی آن کشور برای استخدام خبر چین از میان پناهجویان سیاسی و از آن تکان‌دهنده‌تر، از چگونگی انتقال اطلاعات بسیار حساس درباره‌ی پناهجویان به مأموران امنیتی کشورهایی که از آن

Eurodoe یک سیستم کامپیوتری است برای این که از همه‌ی متقاضیان پناهجویی انگشتنگاری شود و اطلاعات به دست آمده در مرکزی که در دسترس کشورهای عضو اتحادیه می‌باشد، سامان‌دهی شود. گفته شد که از نظر پیشرفت تکنیکی، چنین کاری امکان‌پذیر است. کشورهای عضو باید درباره‌ی جزئیات این سیستم تصمیم بگیرند. آن چه که طرفداران زیادی دارد، انبار کردن این اطلاعات در یک مرکز است.^{۱۰} بگویم و بگذرم که مقوله‌ی جمع کردن اطلاعات تنها به اثر انگشت محدود نمی‌شود. برنامه‌ی دیگری که موضوع بحث وزرای کشور اتحادیه‌ی اروپاست به یوروپل اجازه خواهد داد تا درباره‌ی:

- منشاء نژادی؛
- نظریات سیاسی؛
- دیدگاه مذهبی؛
- سلامت؛

- جهت‌گیری جنسی کسانی که در اتحادیه زندگی می‌کنند، اطلاعات لازم را جمع‌آوری کند. زمینه‌ی قانونی این کار ماده‌ی ۱۰/۱ عهدنامه‌ی یوروپل است که بخش مقررات، یعنی ماده‌ی ۴/۳ وارد می‌شود تقاضای پناهجویی نماید. در صورت عدم رعایت، اعضای اتحادیه‌ی اروپا متقاضی را به اولین کشوری که پس از فرار از کشور خویش به آن وارد شده است، عودت خواهند داد. در نتیجه، برای نمونه، کسی که از دست صدام حسین به ایران می‌گریزد، باید از ایران تقاضای پناهنده‌گی نماید و نمی‌تواند به اتحادیه‌ی اروپا وارد شود.

در تعریف مقدماتی که در ۱۹۹۴ منتشر شد، آمده بود که وقتی کسی از سوی یک نیروی غیردولتی مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد و دولت متبوعش نمی‌تواند از آن شخص حمایت‌های لازم را به عمل آورد، آن شخص می‌تواند به عنوان یک